

[مؤیّدی از کفایه برای تقریب محقق عراقی 1](#_Toc502346422)

[بیان چهارم برای عدم جریان استصحاب در مجهولی التاریخ 3](#_Toc502346423)

**موضوع**: شک در تقدم و تأخر /تنبیه یازدهم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در قسم چهارمِ حادثین مجهول التاریخ بود که اثر برای عدم حادثی نسبت به حادث دیگر بود.

مؤیّدی از کفایه برای تقریب محقق عراقی

مرحوم آقا ضیاء، بیان سومی را در عدم جریان استصحاب در صورت چهارم مجهولی التاریخ بیان کردند. البته این بیان ایشان به عنوان تقریب کلام صاحب کفایه ذکر شده است. ایشان استصحاب عدم کریت تا زمان ملاقات را از موارد شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین دانستند و فرمودند: (این استصحاب شاید تا ساعت سوم جاری شده باشد که در این صورت، یقین به کریت، متخلل شده است. در مورد بحث، سه علم اجمالی داریم:

الف. تحقق دو حادث در دو زمان به نحو اجمال در تقدم و تأخر. ب. تحقّق کریت مقدم یا مؤخر در یکی از دو ساعت دوم و سوم ج. تحقق ملاقات مقدم یا مؤخر در یکی از دو ساعت دوم و سوم.

در صورتی که ملاقات در ساعت سوم بوده باشد، علم به کریت در ساعت دوم وجود دارد و یقین سابق به واسطه یقین، نقض شده است، پس در جریان استصحاب عدم کریتِ تا زمان ملاقات، شبهه مصداقیه نقض یقین به شک، وجود دارد.)

مرحوم نائینی هم کلام صاحب کفایه را این گونه تقریب کردند که بر فرضِ تحققِ کریت در ساعت دوم، فاصل و تخلل محقق شده است و لذا استصحاب در این صورت، پرش و جهش است، نه استمرار. این تخلل ساعت دوم به خاطر تحقق کریت در آن نیست، بلکه به خاطر خودش است که بنفسه، فاصل بین زمان اول و زمان سوم واقع شده است.

پس در تقریب محقق عراقی، شبهه علم به نقض، مطرح شده است و در تقریب محقق نائینی، شک در استمرار مطرح شده است. هر دو بزرگوار، ساعت دوم را باعث فاصله و شبهه مصداقیه شدن، می دانند، لکن محقق عراقی این ساعت را به لحاظ یقین به نقض، مانع جریان استصحاب دانسته اند و مرحوم نائینی به عنوان خود ساعت دوم که استمرار را از بین می برد، مانع جریان استصحاب دانسته اند.

می توان از کلام خود صاحب کفایه، مؤیّدی ذکر کرد که تقریب محقق عراقی، مراد صاحب کفایه بوده است.

مرحوم آخوند در علم به تعاقب حادثین متضادین (مثل حدث و طهارت) که جهل به تقدم و تأخّر آن ها وجود دارد، فرموده اند که به خاطر عدم احراز اتصال زمان یقین و شک، استصحاب جاری نیست.[[1]](#footnote-1) پس ایشان، احتمال تخلل حادث دیگر را مانع جریان استصحاب دانسته اند، نه صرف تخلل زمان. بین حادث متیقن و حادث مشکوک، تنها چیزی که احتمال تخلل دارد، خود حادث دیگر است، نه نفس زمان. در صورتی که حادث متیقن، مقدم بر حادث دیگر باشد، به واسطه نفس حادث دیگر، نقض صورت گرفته است و شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین وجود دارد. همان طور که گذشت در تقریب محقق عراقی از مطلب کفایه نیز همین احتمال نقض به واسطه حادث دیگر مطرح شده بود. احتمال دارد که ملاقات در ساعت دوم بوده باشد و در نتیجه، کریت در ساعت دوم بوده باشد که در این صورت، عدم کریت نقض شده است و جریان استصحاب از موارد شبهه مصداقیه نقض یقین به یقین است.

به هر حال، هیچ کدام از این دو بیان، نمی تواند عدم صحت جریان استصحاب را اثبات کند؛ چرا که طبق کلام مرحوم نائینی آنچه مانع جریان استصحاب است وقوع قطع و یقین به نقض است و در این جا قطع به نقض متیقن وجود ندارد و صرفا احتمال تخلل کریت در ساعت دوم، وجود دارد، لذا همین برای احراز اتصال کافی است و ارکان استصحاب تمام است.

طبق بیان مرحوم عراقی نیز، وجود کریت در زمان دوم، مانع جریان استصحاب نیست؛ چرا که معلوم بالاجمال بر کریت در ساعت دوم که فرد تفصیلی است، منطبق نمی شود و لذا ارکان استصحاب تمام است. کریت در ساعت دوم، ناقض واقعی است، نه ناقض به وصف معلوم.

تا این جا سه بیان از سه بزرگ برای رد استصحاب عدم کریت بیان شد: الف. بیان مرحوم نائینی در تقریب مطلب کفایه. ب. بیان محقق عراقی که مختار خودشان بود. عده ای از بزرگان مثل مرحوم امام و محقق داماد و مرحوم صدر هم همین را قبول کرده اند. ج. بیان محقق عراقی در تقریب مطلب کفایه.

بیان چهارم برای عدم جریان استصحاب در مجهولی التاریخ

بیان چهارم بر عدم جریان استصحاب در صورت چهارمِ مجهولی التاریخ، بیانی است که مرحوم صدر ذکر کرده اند و احتمال داده اند که مراد صاحب کفایه همین باشد.

بیان ایشان این است که در ساعت دوم از آن جا که ملاقات به عنوان جزء الموضوع احراز نشده است، استصحاب عدم کریت جاری نیست. پس عدم کریت حال الملاقات (یا عدم کریت مقید به ملاقات) در ساعت سوم، قابل احراز است، لکن معلوم نیست که ملاقات چه ساعتی بوده است. اگر در ساعت دوم بوده باشد، عدم کریت مشکوک و متیقن، متصل اند، ولی اگر ملاقات در ساعت سوم بوده باشد، عدم کریت مشکوک و متیقن، متصل نیستند و زمان دوم، بین آن ها متخلل شده است.

ممکن است سوال شود که فرق این تقریب با تقریب محقق نائینی (احتمال تخلل ساعت دوم) چیست؟ جواب این است که در بیان محقق نائینی، عدم کریت مقید به زمان ملاقات مفروض نبود، بلکه در ظرف ملاقات، مفروض بود؛ یعنی عدم کریتی باشد و ملاقات هم باشد، ولی در این تقریب، عدم کریتِ مقید به زمان ملاقات فرض شده است.

اشکال به این تقریب، این است که فرض بحث در جایی است که موضوع حکم شرعی، مرکب است، نه مقید.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص421.](http://lib.eshia.ir/27004/1/421/انقدح) [↑](#footnote-ref-1)